

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الف. جواتشیر
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۳

وطن فروشی، شاخ و دم ندارد!

اگر «لویه جرگه»، مظهر اراده ملی است چگونه، چند نفر سران قومی «معامله گر» و «پلو خور» که به فرمان یک رئیس جمهور دست نشانده، با این تعجیل و شتاب، داخل یک خیمه جمع گردانیده می شوند، مظهر و نماینده سی میلیون افغان شمرده خواهد شد! کدام کودک این دروغ رسوا را می پذیرد!

«لویه جرگه» ها، گویا برای دفع خطرات عظیم و صیانت از تمامیت ارضی و استقلال کشور، تدویر می شده نه این که، برای «اشغالگران خارجی» تسهیلات قانونی و «پایگاه نظامی» فراهم کند و پروسه اشغال را، نهادینه و همیشگی سازد!

تقاضای مکرر کرزی از صدراعظم پاکستان برای رهائی «ملا برادر» وحتا به تعویق افکندن مکرر سفر رسمی به کشور همسایه تا اخذ قول مساعد برای رهائی دستیار سابق ملا عمر و پس از رهائی، فوکس شدن زندگی خصوصی این آدم به وسیله ارگ کابل، نشان می دهد، که حامد کرزی به هر صورت، حتا به زور سوته و به گونه صوری و تصنعی می خواهد با بخشی از سران طالب، به مصالحه دست یابد وگویا قدرت را با طالبان «تقسیم» کند! در این صورت، انتخابات، مثل انگشت ششم، امری زائد و بیهوده خواهد بود.

از دیگر سو، رهبر طالبان در پیام عیدش، امضای توافقنامه امنیتی را، سر آغاز یک جنگ طولانی دیگر در افغانستان دانسته است، پس کرزی که هم صلح با طالبان را می خواهد و هم تداوم اشغال خارجی را، آیا این دلبستگی به «تناقضات» و ائتلاف وقت نیست؟

گمان می برم چانه زنی ها و مانور ها بر سر امضای سند امنیتی با امریکا نه به دلیل در خواست «تضمین صلح و امنیت بیشتر و شفاف تر» از ایالات متحده است، بلکه گویا در پشت پرده لفاظی ها، مسأله مداومت حکومت و قدرت سیاسی کرزی و خاندان کرزی، مطرح است، مستقیم یا غیر مستقیم!

به هر حال، امضای چند آدم بیخبر از زوایای پنهان یک قضیه را با حيله و تردستی گرفتن، کاری دشوار نیست. اما تداوم اشغال اجنبی را رسمیت و قانونیت دادن، چهره اهریمنی استعمار را آرایش کردن، یک خیانت ملی است. این کار فقط از دست یک رئیس جمهور «گماشته» بر می آید و بس.

برخی نویسندگان ساده لوح (یامزدور)، این روز ها برای امضای پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن، سینه چاک می دهند و این سند غلامی را نسخه خوشبختی ملت افغان جا می زنند، آقای نعیم بارز (نویسنده دائمی افغان- جرمن) از همین قماش است. نعیم بارز در مطلبی که عنوان آن کذب محض و متن آن، خواب وخیالی مضحک است، در پراگراف اخیر چنین میگوید:

«در پایان موفقیت {موفقیت} این توافقنامه را که از لحاظ دیپلماسی توسط آگاه ترین سیاست مدارها و میهن پرستانی چون محترم دوکتور رنگین دادفر سینتا و محترم دوکتور اشرف غنی احمد زی و زیر نظر خردمندانه {خردمندانه} رئیس جمهور کرزی صورت گرفته به همه افغان های خواهان امنیت و صلح در افغانستان تبریک و تهنیت می گویم. «
عنوان مطلب مضحک ایشان چنین است:

«سرانجام رئیس جمهور کرزی خواست هایش را بر دولت امریکا قبولاندا!»

اما واقعیت این است که سپردن مجدد پایگاه های نظامی به یک کشور خارجی (حتا به صورت کوتاه مدت) چهره عنعنه ئی افغانستان صلحجو و غیر منسلک را عوض می کند و مخالفان مسلح بیرحم و ارتجاعی را قیافه ای مشروع، انسانی و نجاتبخش می دهد!

یک دولت ملی می توانست ، بدون حلقه غلامی کسی را به گوش افگندن، از هند و چین و شرق و غرب ، برای عمران کشور، سرمایه و ساز و برگ، جلب کند ، چه حاجت به پکت و پایگاه عسکری!
کار کرزی ، نه صلح و امنیت آوردن، بلکه فروش عریان خاک آباء و اجداد است:

به عشق ریاست ، وطن می فروشم

وطن را چو یک پیرهن می فروشم

من آن نره شیرم(!) که اولاد خود را

به روباه پر مکر و فن می فروشم

همه تاروپود کلاهم ، دسیسه است

وطن را به زیر چین می فروشم !